

مصاحبه محمدعلی عمویی  
**جنبش کارگری ایران**  
**در مرحله تکامل**  
**آگاهی طبقاتی است**

اگر تشکل های واقعی کارگری در ایران وجود داشت، کارگران ایران از این همه تجمع و تحصن و اعتراض کارگری که در سال گذشته شاهدش بودیم، نتایج مهمی را گرفته بودند.

اخیرا و در دو برنامه رادیویی (رادیو فردا) که پیرامون مسائل کارگری ایران تهیه و پخش شد، محمدعلی عمویی از تهران و در تماس تلفنی تهیه کننده این گزارش نقطه نظرات خود را پیرامون جنبش کارگری ایران مطرح کرد. این نقطه نظرات، به همراه اطلاعات عمومی از وضع کنونی کارگران ایران را می خوانید:

سال ۱۳۸۵، سال تنگناهای بیشتر مالی و کاری برای کارگران ایران بود. موج اخراج ده ها هزار تن دیگر از کارگران، ماه ها به تعویق افتادن دستمزد آنها و حرکت های اعتراضی کارگران که در مواردی با سرکوب و خشونت حکومتی همراه شد، همگی و در نوبت های مختلف عنوان اخبار کارگری در برخی مطبوعات و خبرگزاری های داخلی شد. اخبار این رویدادها در خبرگزاری های وابسته به دولت و یا متمایل به دولت کنونی و مطبوعات جناح راست منعکس نشد و تنها یک خبرگزاری "ایلنا" و چند روزنامه نیمه جان توانستند اخبار و گزارش های مربوط به شکم گرسنه و بیکاری و بی حقوقی کارگران را منتشر کنند. ماهنامه بین المللی **رونا**، با استناد به جدولی که توسط گروهی از کارگران منتشر شده می نویسد:

"در شش ماه نخست سال ۱۳۸۵، ۲۶ هزار کارگر از ۱۰۸ کارخانه و کارگاه های صنعتی، حقوق و مزایای خود را با تاخیرهایی از یک تا ۲۶ ماه، و حتی در یک مورد با ۳۶ ماه تاخیر دریافت کردند."

بین ترتیب است که سال ۱۳۸۵، سال تشدید فقر و خالی تر شدن سفره کارگران و خانواده هایشان بود.

در شش ماه نخست سال گذشته ۲۰۰ هزار و ۵۴۹ کارگر در ۹۱ شرکت و کارخانه صنعتی از کار بیکار شدند. البته مسئولان وزارت کار، آمار اخراج ها در این مدت را ۱۲۰ هزار نفر ذکر کرده اند.

اخراج گسترده و بیکاری وسیع موجب شده تا کارگران شاغل چون نمی خواهند کار خود را از دست بدهند، اغلب تن به فرمان وزارت کار برای توافق کارگران با کارفرمایان بر سر دستمزدها بدهند. این در حالی است که حتی در کارگاه های کوچک، دستمزد پائین تر از ۱۵۰ هزار تومان نیز به کارگران پرداخت می شود.

مشکل بازنشستگان تامین اجتماعی: حداقل مستمری کارگران بازنشسته از طریق تامین اجتماعی، برخلاف بازنشستگان لشکری و کشوری، به ۲۰۰ هزار تومان افزایش نیافت. بیش از یک میلیون بازنشسته تامین اجتماعی در کشور وجود دارد.

حداقل دستمزد ۱۵۰ هزار تومانی و تناسب آن با خط فقر موجود در سال ۱۳۸۵، که ۴۰۰ هزار تومان اعلام شده، به روشن ترین شکلی، گویای وضعیت فلاکت بار کارگران در این با مقایسه آمارهای اعلام شده توسط مقام های جمهوری اسلامی نشان می دهد، که دستمزد کارگران در سال ۱۳۸۵، ۴۰ درصد دستمزد آنان در سال ۱۳۵۸، یعنی سال اول تاسیس جمهوری اسلامی است.

بیش از ۷۵ درصد از یک میلیون کارگر شرکت های پیمانکاری نیز از حقوق و مزایای موجود و دریافت حداقل دستمزد، محروم اند.

در برخی از مناطق ایران، دستمزدهایی حتی با رقم ۵۰ هزار تومان در ماه به کارگران پرداخت می شود. همین استعمار کاری در سال گذشته باعث شد تا دهها تومار اعتراضی، تحصن، بستن جاده ها و خیابان ها، اشغال کارخانه، جمع شدن در برابر مجلس و یا وزارت کار و حتی به زندان رفتن کارگران معترض شد.

محمد علی عمویی، که در جریان یورش سال ۱۳۶۱ به حزب توده ایران با عنوان دبیر حزب توده ایران، سر از زندان های جمهوری اسلامی در آورد و ۱۳ سال بر عمر زندان ۲۴ ساله او در زمان شاه افزوده شد، در مصاحبه کوتاه تلفنی خود با رادیو فردا می گوید:

پیش نویس اصلاحیه قانون کار توسط وزارت کار و امور اجتماعی دولت محمود احمدی نژاد، اعتراض بسیاری از سندیکاها، نهادها و فعالان کارگری را به همراه داشت.

هر قانونی به دلیل کاستی هایی که در زمان وضع آن بوده وجود داشته، نیازمند اصلاح است، ولی آنچه که در این اصلاحیه مطرح شده است، در واقع، محروم کردن کارگران از حق تشکل های قانونی شان است. حقی که در قانون اساسی، مقوله نامه های سازمان بین المللی کار و اعلامیه جهانی حقوق بشر به صراحت ذکر شده است. در پیش نویس اصلاحیه قانون کار، مواردی که در قانون کار به **سود کارگران** وجود داشت، **حذف شده** است. بر این اساس، کارفرما در هر زمان و به هر بهانه ای می تواند کارگران خود را اخراج کند.

پیش نویس اصلاحیه قانون کار ناقض اصل ۲۶ قانون اساسی و مقوله نامه های سازمان بین المللی کار است که توسط ایران امضا شده اند.

اگر در مملکت، امکان ایجاد تشکل های صنفی وجود داشت، این تعدد قابل توجه تجمع ها و اعتراض هایی، که در واحدهای فراوان تولیدی ایران انجام می گیرند، و پراکنده و محدود هستند، و برخی از آنها با فشار به پایان می رسد، و برخی دیگر با وعده هایی، که کمتر به اجرا در می آیند، سیر صعودی بیشتری می یابند.

البته در کنار این اعتراض های صنفی، آگاهی طبقه کارگر روز به روز بیشتر می شود. اقدامات سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در دو سال گذشته، بهترین مثال از این آگاهی روزافزون کارگران در ایران است، که در عین حال، با واکنش تند حکومت مواجه شد. برخی از اعضای هیات مدیره آن بازداشت شدند، که البته بعدا آزاد شدند، چون جرمی مرتکب نشده بودند و تنها خواستار آن بودند که تشکل صنفی خود را تشکیل دهند.

بدنبال تحرک سندیکای شرکت واحد در تهران، و سپس سندیکای فلزکار مکانیک و کارگران ایران خودرو در تهران، و در شهرستان ها، در کرمانشاه، کارگران فلزکار مکانیک، حرکتی را در جهت فعالیت های سندیکایی آغاز کردند، که از همان ابتدا، به آنها اتهام سیاسی کاری، وارد شد.

راه توده ۱۲۹ ۱۶,۰۴,۲۰۰۷